

## استثنای تروریسم در قوانین مصونیت ایران، آمریکا و کانادا

محسن عبداللهی\*  
جمال خندان کوچکی\*\*

تاریخ دریافت: ۹۵/۴/۳۱ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۱۷

### چکیده

تروریسم هیچ‌گاه از جمله استثنائات اصل «مصونیت دولت‌ها نزد دادگاه‌های خارجی» نبوده است اما دولت آمریکا در سال ۱۹۹۶ و متعاقب آن دولت کانادا در سال ۲۰۱۲ میلادی با تصویب قوانینی در خصوص مقابله با ارتکاب اعمال تروریستی، مصونیت دولت‌هایی که حامی تروریست قلمداد می‌نمایند، را نزد دادگاه‌های داخلی خود سلب کرده‌اند. دولت ایران نیز در مقام اقدام متقابل، «قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی» را در سال ۱۳۷۸ تصویب و متعاقباً آن را اصلاح و تکمیل کرده است. البته این قانون، مصونیت دولت‌های خارجی حامی تروریسم را هم برای ارتکاب اعمال مغایر حقوق بین‌الملل و هم از جهت حمایت از اقدامات زیان‌بار گروه‌های تروریستی سلب کرده است. با لحاظ توجه به مشروعیت یا عدم مشروعیت این قوانین و رویه قضایی مبتنی بر آن در حقوق بین‌الملل، فرضیه این مقاله آن است که رویکرد متفاوت قانون آمریکا، ایران و کانادا در مورد «تروریسم» و «حمایت» از آن و همچنین خاستگاه‌های مختلف قانون‌گذاران آمریکایی و کانادایی در تصویب قوانین مذکور و مبنای متفاوت قانون ایران که در مقام تقابل به تصویب رسیده است، به‌گونه‌ای است که مانع شکل‌گیری رویه لازم برای ایجاد عرفی جدید و مغایر با قاعده عرفی موجود خواهد شد.

### کلید واژگان

مصونیت دولت - تروریسم - قانون آمریکا - قانون کانادا - قانون ایران.

\* دانشیار حقوق بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

mo\_Abdollahi@sbu.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

j.khandan@yahoo.com.

## مقدمه

مطابق حقوق بین‌الملل عرفی حاکم بر اصل مصونیت دولت، تاکنون «تروریسم» به‌عنوان یک استثنای مستقل بر این اصل مورد شناسایی قرار نگرفته است. همچنین هیچ‌یک از کنوانسیون‌های مربوط به مصونیت دولت<sup>۱</sup> و یا قوانین ده گانه ملی مربوط به مصونیت دولت<sup>۲</sup> از تروریسم به‌عنوان استثنای قاعده مصونیت یاد نکرده‌اند. با این حال، تروریسم در دو قالب متفاوت، اصل مصونیت دولت را به چالش کشیده است: در قالب استثنای شبه‌جرم، و در قالب استثنای جدید و مستقل. در قالب استثنای شبه‌جرم، در رویه دولت آمریکا تلاش‌های معدودی از توسل به استثنای «شبه‌جرم» برای کنار گذاشتن مصونیت دولت‌های مرتکب اعمال تروریستی به چشم می‌خورد. مهم‌ترین قضیه موجود در این خصوص موضوع ترور سفیر و وزیر خارجه اسبق شیلی آقای /اورلاندو لوتولیه در سال ۱۹۷۶ در آمریکا است که در آن، دادگاه بخش واشینگتن، دولت شیلی را به دلیل ارتکاب شبه‌جرم در سرزمین ایالات متحده، فاقد مصونیت دانست. حال آنکه، اساساً استثنای شبه‌جرم برای جبران خسارت‌های غیرحاکمیتی و ریسک‌های قابل بیمه<sup>۳</sup> مانند مطالبه خسارت ناشی از تصادفات رانندگی در حقوق بین‌الملل عرفی مورد پذیرش و شناسایی قرار گرفته بود.<sup>۴</sup> با این وجود، دادگاه بخش واشینگتن، ضمن رد هرگونه تفکیک، بین شبه‌جرم‌های حاکمیتی از غیر آن، تصریح نمود که استثنای شبه‌جرم دولت خارجی شامل تمامی خسارت ناشی از اعمال دولت خارجی و حتی اقدامات تروریستی آن می‌شود.<sup>۵</sup> البته همین

1. European Convention on State Immunity, Basle, 1972; UN Convention on Jurisdictional Immunities of States and Their Property, 2004.

۲. شامل: آمریکا، انگلستان، استرالیا، کانادا، آفریقای جنوبی، سنگاپور، آرژانتین، اسرائیل، پاکستان و اخیراً ژاپن.

3. Insurable risks.

4. Yearbook of the International Law Commission, 1991, Vol. II (2), (p 45), Para 4.

5. Leteller v. Republic of Chile, 488 F. Supp. 665 (1980), U.S. District Court for the District of Columbia - 488 F. Supp. 665 (D.D.C. 1980), March 11, 1980, at: <<http://law.justia.com/cases/federal/district-courts/FSupp/488/665/1400196/>>.

۶. عبدالهی، محسن و میرشهبیز، شافع، **مصونیت قضایی دولت در حقوق بین‌الملل**، انتشارات ریاست جمهوری، چاپ دوم، تهران ۱۳۸۲.

رویکرد در قضیه اسمیت علیه جمهوری لیبی نیز مطرح و پذیرفته شد، اما با این حال، به دلیل ارتکاب عمل تروریستی در خارج از سرزمین آمریکا، دادگاه به مصونیت دولت لیبی حکم داد.<sup>۱</sup> در عین حال ادعای فقدان مصونیت برای شبه‌جرم‌های حاکمیتی اخیرا حداقل در مورد شبه‌جرم‌های ناشی از اعمال متخلفانه نیروهای مسلح دولت‌ها از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه مصونیت قضایی دولت‌ها بین آلمان و ایتالیا رد شده است. دیوان در این قضیه با مصون دانستن دولت آلمان و اموال آن از صلاحیت محاکم ایتالیا صراحتاً مصونیت مطلق دولت‌ها را برای اعمال حاکمیتی ولو مجرمانه نیروهای مسلح خود مورد شناسایی قرار داد.<sup>۲</sup> هرچند یافته دیوان در خصوص اعمال حاکمیتی نیروهای مسلح است اما این یافته، بی‌گمان ادعای شمول «استثنای شبه‌جرم» بر دیگر اعمال حاکمیتی را نیز با تردید روبه‌رو می‌کند. همچنین گفتنی است که از مشخصات بارز استثنای شبه‌جرم‌ها این است که اعمال زیان‌بار دولت خارجی در سرزمین محل دادگاه رخ داده باشد لذا هم قضیه لوتولیه و هم بخشی از قضیه آلمان علیه ایتالیا، به شبه‌جرم‌ها که دارای قید «سرزمینی» هستند، مربوط و منتسب می‌شوند. قیدی که شرط مشترک کلیه اسناد حقوقی موجود و همچنین قاعده عرفی مصونیت برای قابلیت استناد به شبه‌جرم می‌باشد.

صرف نظر از استثنای شبه‌جرم، بعد از دهه نود میلادی دولت‌های آمریکا، ایران و اخیراً کانادا، به ترتیب در سال‌های ۱۹۹۶، ۱۹۹۹ (۱۳۷۸ هجری شمسی) و ۲۰۱۲ میلادی در قالب استثنای مستقل، مصونیت دولت خارجی متهم به ارتکاب یا حمایت از اعمال تروریستی را صرف‌نظر از محل ارتکاب عمل تروریستی، لغو کرده‌اند. البته نه تنها رویکرد دولت‌های یادشده نسبت به مفهوم تروریسم و حمایت از آن در قوانین یادشده متفاوت است، بلکه خاستگاه تصویب قوانین

1. *Smith and Hudson v. Libya et al.*, 886 F. Supp. 306, United States District Court, E.D. New York, Nos. 94-CV-5556 (TCP), 94-CV-5557 (TCP), May 17, 1995, (p 315), accessed March 19, 2016, URL: < <http://uniset.ca/other/cs5/886FSupp306.html> >.

پرونده از سوی تعدادی از خانواده‌های قربانیان انفجار تروریستی سال ۱۹۸۹ در خطوط هوایی پان امریکن بر فراز دریاچه لاکربی بر علیه دولت لیبی طرح شده بود.

2. *Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy : Greece intervening)*, Judgment, *I.C.J. Reports* 2012, Paras 78,97, 107.

برای مطالعه در مورد این رأی نگاه کنید به: نواری، علی، رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه اختلاف بین آلمان و ایتالیا: موازنه بین حقوق بین‌الملل کلاسیک و مدرن، در جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل در قرن ۲۱، به اهتمام قاسم زمانی، انتشارات شهر دانش، تهران ۱۳۹۲.

مذکور در دولت‌های آمریکا و کانادا نیز مختلف و به ترتیب نظریه صلاحیت جهانی<sup>۱</sup> و تکلیف به مبارزه با تروریسم<sup>۲</sup> می‌باشد در حالی که تصویب قانون دولت ایران بر اساس «اقدام متقابل»<sup>۳</sup> مورد توجه قرار گرفته است.

روشن است که وضع استثنای جدید توسط این سه دولت، در مغایرت با قاعده عرفی موجود مصونیت دولت است. اما هم اکنون این سؤال مطرح است که آیا قوانین سه‌گانه مزبور از شرایط لازم برای مشارکت در تشکیل یک استثنای جدید عرفی بر قاعده مصونیت دولت برخوردارند؟ این مقاله با بررسی تفاوت رویکرد این سه قانون نسبت به مفهوم تروریسم و حمایت از آن و همچنین تبیین خاستگاه مختلف تصویب قوانین یادشده، به دنبال اثبات این فرضیه است که رویه سه دولت مزبور فاقد عنصر معنوی لازم برای ایجاد رویه‌های قابل اعتنا جهت شکل‌گیری استثنای عرفی جدید در این زمینه خواهد بود. برای این منظور، مقاله ابتدا در **بند نخست** به جستجوی تعریف و مفهوم مورد نظر در این سه قانون برای اصطلاح «تروریسم» پرداخته و سپس در **بند دوم** به تبیین مفهوم و مصادیق «حمایت مادی» از تروریسم خواهد پرداخت.

## بند نخست: تطور مفهوم و مصادیق تروریسم در قوانین سه‌گانه مصونیت دولت

### ۱. رویکرد مصدق قانون مصونیت حکام خارجی آمریکا

در نخستین قانون مصونیت حکام خارجی<sup>۴</sup> آمریکا مصوب ۱۹۷۶ ذکر از تروریسم به میان نیامده است، با این حال دو حادثه تروریستی، مقدمه اصلاحات بدیعی را در قانون مزبور فراهم ساخت. حادثه نخست انفجار تروریستی سال ۱۹۸۸ در پرواز خطوط هوایی پان امریکن بر فراز دریاچه لاکربی اسکاتلند بود که منتهی به قتل تعداد کثیری از اتباع آمریکایی شد و حادثه دوم در

1. Stephen M. Flatow v. The Islamic Republic of Iran et al, United States District Court, District of Columbia, 999 F.Supp. 1, No. 97-396 (RCL), March 11, 1998, title: 4, at: <<http://uniset.ca/islamicland/999FSupp1.html>>.

۲. مقدمه قانون سال ۲۰۱۲ کانادا با عنوان «قانون عدالت برای قربانیان تروریسم» به صراحت خاستگاه اصلی قانون را اجرای منویات قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد و کنوانسیون سرکوب تأمین مالی تروریسم مصوب سال ۱۹۹۹ معرفی نموده است.

3. countermeasures.

4. Foreign Sovereigns Immunity Act.

سال ۱۹۹۵ و مربوط به تیموتی مک ویک<sup>۱</sup> و چند تن دیگر بود که در یکی از ساختمان‌های فدرال آمریکا در اوکلاهما سیتی بمب‌گذاری کرده و تعداد کثیری را به قتل رساندند. البته قانون وقت مصونیت آمریکا صلاحیت محاکم فدرال نسبت به دولت‌های خارجی را به شبه‌جرم‌های رخ داده در سرزمین آمریکا محدود می‌کرد، درحالی‌که حادثه لاکربی بر فراز اسکاتلند رخ داده بود.

نتیجه اینکه قانون‌گذار آمریکایی در سال ۱۹۹۶ با تصویب قانون «ضد تروریسم و مرگ مؤثر جزایی» و اصلاح قانون پیشین آمریکا در خصوص مصونیت دولت، به اتباع ایالات متحده اجازه داد، علیه دولت‌های خارجی که مرتکب «فعالیت‌های تروریستی» شده یا از چنین فعالیت‌هایی حمایت کرده باشند، شکایت کنند:<sup>۲</sup>

«در قضایایی که در آنها دعوای جبران خسارت پولی علیه دولت خارجی برای ایراد جراحت شخصی یا سلب حیات ناشی از شکنجه، قتل فراقضایی، خرابکاری در هواپیما و گروگان‌گیری اقامه شده باشد و یا اینکه چنین دعوایی به ارائه حمایت مادی یا منابع ... برای چنین اعمالی معطوف باشد؛ مشروط به اینکه چنین اعمال یا حمایتی توسط کارمند، مستخدم یا کارگزار دولت خارجی پیش‌گفته که در حیطه مأموریت یا استخدام یا کارگزاری خویش اقدام کرده، ارتکاب یافته باشد».<sup>۳</sup>

هرچند این قانون تعریف مستقلی از تروریسم به دست نداد اما کد سراسری ایالات متحده با تقسیم تروریسم به ملی و بین‌المللی، دسته‌بندی را به شرح زیر تعریف می‌کند:

اصطلاح «تروریسم بین‌المللی» به معنی فعالیت‌هایی است که:

الف) دربردارنده اعمال خشونت‌بار یا اعمال خطرناک برای حیات انسان بوده و نقض قوانین کیفری ایالات متحده یا هر دولت دیگر باشد، یا اگر در قلمرو صلاحیتی ایالات متحده یا هر کشور دیگر ارتکاب یابد تخلف کیفری خواهد بود؛

ب) ظاهراً با مقاصد زیر انجام می‌شود:

۱. به وحشت افکندن یا اجبار سکنه غیرنظامی؛

۲. تأثیر بر خط مشی یک حکومت از طریق به وحشت افکندن یا اجبار [آن حکومت]؛ یا

1. Timothy McVeigh.

2. See Pub. L. No. 104-132, 110 Stat. 1214 (1996).

3. 28 U.S.C. Sec. 1605 (a)(7).

۳. متأثر ساختن رفتار حکومت از طریق تخریب وسیع، ترور یا آدم‌ربایی؛ و (ج) بدوا در خارج از قلمرو صلاحیتی ایالات متحده رخ داده، یا حسب ابزارهای به‌کار گرفته شده، اشخاصی که قصد ... یا اجبار آنها وجود داشته، یا محلی که مرتکبان در آن عملیات خود را انجام داده یا به آن پناه برده‌اند، از مرزهای ملی ایالات متحده فراتر رفته باشد.<sup>۱</sup>

علی‌رغم وجود این تعریف، اما قانون‌گذار آمریکایی از رویکرد مصداقی نیز در این خصوص بهره‌جسته است. در واقع، قانون‌گذار آمریکایی، استثنای تروریسم در قانون مصونیت دولت آن کشور را به چهار مصداق از تروریسم یعنی «شکنجه، قتل فراقضایی، خرابکاری در هواپیما و گروگان‌گیری» محدود کرده است. به‌نظر می‌رسد گنجاندن شکنجه در قالب تروریسم خالی از اشکال نیست؛ درحالی‌که سه مصداق دیگر در دکترین و اسناد بین‌المللی<sup>۲</sup> به‌صراحت به‌عنوان مصادیق تروریسم شناسایی شده‌اند، هرچند شکنجه در کنوانسیون مستقل<sup>۳</sup> و به‌عنوان جنایتی بین‌المللی<sup>۴</sup> و البته با محکومیت بین‌المللی شدیدتر پذیرفته شده است.<sup>۵</sup> همچنین به‌موجب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، در صورت ارتکاب گسترده یا سیستماتیک شکنجه می‌تواند به‌عنوان جنایت علیه بشریت نیز مورد شناسایی قرار گیرد.<sup>۶</sup>

انتخاب این چهار مصداق به لحاظ حوادث تاریخی و مبانی حقوقی قابل توضیح است. اشغال و بازداشت دیپلمات‌های سفارت آمریکا در تهران، گروگان‌گیری‌های متعدد و شکنجه اتباع آمریکای در لبنان در دهه هشتاد میلادی، بمب‌گذاری‌های انجام شده در لبنان و اوکلاهما سیتی و از همه مهم‌تر کشته شدن جمعی از اتباع آمریکا در انفجار لاکربی می‌تواند از جمله حوادث تاریخی مسبب تصویب قانون مذکور به‌شمار آید. البته عطف به ما سبق شدن این قانون برای

1. *U.S. Code, Title 18, Part I, Chapter 113B, § 2331, Definitions.*

2. See *United Nations Action to Counter Terrorism*, International Legal Instruments, at: <<http://www.un.org/en/terrorism/instruments.shtml>>.

3. *Convention against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment*, 1984.

4. International crime.

5. See case concerning to Questions relating to the Obligation to Prosecute or Extradite (Belgium v. Senegal), I.C.J. Rep. 2012, Para 99 ; « In the Court's opinion, the prohibition of torture is part of customary international law and it has become a peremptory norm (jus cogens) ».

6. The Rome Statute of the International Criminal Court, 1998, Art. 7 (f).

یک دهه قبل از تصویب آن یعنی از سال ۱۹۸۶ نیز به خوبی ارتباط قانون مذکور و حوادث تاریخی یادشده را تبیین می‌کند.<sup>۱</sup>

از نظر مبانی حقوقی نیز، قاضی لامبرث در قضیه فلاتو علیه ایران و سایرین تصریح کرده است؛ این چهار جنایت در زمره جنایات بین‌المللی هستند که برای تعقب آنها صلاحیت جهانی وجود دارد.<sup>۲</sup>

با این حال مهم‌ترین تحول به‌وجود آمده در بحث مورد نظر این مقاله، پس از تصویب اصلاحیه سال ۱۹۹۶ تسری استثنای ضدتروریسم یادشده به نظامیان است. چه اینکه مطابق تعریف کد سراسری آمریکا، جرم تروریسم فقط علیه غیرنظامیان قابل تحقق بود اما به تدریج در اثر فشار خانواده‌های قربانیان حمله به مقر تفنگ‌داران آمریکایی در بیروت در سال ۱۹۸۳<sup>۳</sup> و همچنین حمله سال ۱۹۹۹ به مقر نظامیان آمریکایی در الخبر عربستان سعودی<sup>۴</sup> کنگره آمریکا در سال ۲۰۰۸ امکان استثنای پیش‌بینی شده در اصلاحیه سال ۱۹۹۶ قانون مصونیت حکام آمریکا برای غیر نظامیان را به نظامیان آمریکایی و پیمانکاران خارجی در استخدام آمریکا نیز تسری داد. در این راستا، بند الف جدید ماده ۱۶۰۵ قانون مورد نظر بیان می‌دارد در صورتی که قربانی تبعه ایالات متحده، عضو نیروهای مسلح این کشور و یا کارمند دولتی یا پیمانکاری باشد که حین وقوع حادثه منشأ دعوا، در حال انجام وظیفه بوده است نیز امکان اقامه دعوا فراهم خواهد بود.<sup>۵</sup> شمول استثنا ضدتروریسم مصونیت دولت بر اعضای نیروهای مسلح از این جهت قابل اهمیت است که علی‌الاصول اعضای نیروهای مسلح یک کشور البته آن هنگام که طبق کنوانسیون‌های

1. See 28 U.S.C. Sec. 1605 (f)(7).

2. Flatow v. Iran et al. 1998, op.cit., 1998, title: 4. THE EXTRATERRITORIAL APPLICATION OF THE FSIA'S RECENT AMENDMENTS IS PROPER.

۳. در این حمله که در ۲۳ اکتبر ۱۹۸۳ انجام شد ۲۴۱ نظامی و خدمه در خدمت نظامیان کشته شدند. نگاه کنید به: Recalling the deadly 1983 attack on the Marine barracks, *USA Today*, 23 Oct. 2013, at: <http://www.usatoday.com/story/nation/2013/10/23/marines-beirut-lebanon-hezbollah/3171593/>.

۴. نگاه کنید به: کیهانلو، فاطمه، **دادگاه فدرال کلمبیا و انتساب انفجار برج‌های الخبر عربستان سعودی**، سالنامه سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی، شماره دوم، سال ۱۳۸۵.

5. H.R. 1585: National Defense Authorization Act for Fiscal Year 2008, SEC. 1083, (Terrorism Exception to Immunity), at: <http://thomas.loc.gov/cgi-bin/query/F?c110:7:./temp/~c110yocVHm:e983860:>.

۱۹۴۹ ژنو عنوان رزمنده بر آنها صادق است، نمی‌توانند بابت صدمات ناشی از جنگ، ادعای خسارت نمایند.

## ۲. رویکرد موسع اصلاحات سال ۲۰۱۲ قانون مصونیت کانادا

قانون مصونیت دولت<sup>۱</sup> کانادا نیز بدوا از شناسایی تروریسم به‌عنوان استثنا اجتناب کرده بود. اما حادثه بمب‌گذاری ۱۹۸۵ در هواپیمای خطوط هواپیمایی هند منجر به کشته شدن تعدادی از اتباع کانادا و همچنین رشد مطالبات حقوق بشری از دهه نود میلادی، اصلاح قانون مصونیت این کشور را در سال ۲۰۱۲ رقم زد. برخلاف آمریکا، خاستگاه اصلی این اصلاحیه گفتمان موجود حقوق بشری در کانادا بود که به دکترین فقدان مصونیت دولت برای نقض قواعد آمره حقوق بشر و حقوق بشردوستانه مربوط می‌شود. هرچند نقطه کانونی این خاستگاه؛ توجه به قربانیان شکنجه بود اما قربانیان دیگر جنایات بین‌المللی به‌ویژه جرائم جنگی، جنایات علیه بشریت و اعدام‌های فراقضایی نیز در آن مورد توجه جدی بوده است.<sup>۲</sup>

بخش اول لایحه قانونی C-10<sup>۳</sup> در این خصوص به قانون‌گذاری در مورد عدالت برای قربانیان تروریسم و اصلاح قانون مصونیت دولت اختصاص یافته است. بر اساس ماده ۳ این قانون، هدف از وضع این مقررات؛ جلوگیری از تروریسم با ایجاد حق طرح دعوا<sup>۴</sup> برای قربانیان تروریسم علیه مرتکبین و حامیان تروریسم می‌باشد. لذا حق طرح این‌گونه از دعاوی به هر شخصی اعم از حقیقی یا حقوقی که در داخل یا خارج از کانادا در نتیجه فعل یا ترک فعلی که پس از اول ژانویه ۱۹۸۵ رخ داده است و بر اساس قسمت ۲، بخش اول قانون جزایی کانادا قابل مجازات بوده و زیان، خسارت یا صدمه دیده است، اعطا شده است.<sup>۵</sup> این قانون فراتر از قانون آمریکا، علاوه بر شهروندان به افراد مقیم در کانادا که تابعیت این دولت را نداشته و از اعمال تروریستی در اقصی

1. *State Immunity Act*, R.S.C. 1985, c. S-18 (“SIA”).

2. See Adams, Wendy, “In Search of a Defence of the Transnational Human Rights Paradigm: May *Jus Cogens* Norms be Invoked to Create Implied Exceptions in Domestic State Immunity Statutes?” in: Craig Scott (ed.), *Torture as Tort* (Toronto: Osgoode Hall Law School, York University, 2001), (p.250).

3. Bill C-10 (full title: An Act to enact the Justice for Victims of Terrorism Act and to amend the State Immunity Act).

4. Cause of Action.

5. ماده ۴ (۱).

نقاط جهان زیان دیده‌اند نیز اجازه می‌دهد تا با خواسته جبران خسارت به اقامه دعوی مدنی علیه دولت خاطی در دادگاه‌های داخلی کانادا بپردازند.

بخش اول قسمت دوم کد کیفری کانادا به تروریسم اختصاص دارد. زیربند ۱ ماده ۸۳ این قسمت به تعریف تروریسم پرداخته است. این کد بدوا ارتکاب اعمال منع شده توسط ۱۱ کنوانسیون ضد تروریستی بین‌المللی را به‌عنوان «فعالیت تروریستی» در نظر گرفته و سپس این چنین به تعریف فعالیت تروریستی پرداخته است:

(ب) فعل یا ترک فعلی که در یا خارج از کانادا [ با اهداف ذیل ]

۱. ارتکاب می‌یابد:

اول: به‌طور کلی یا جزئی با هدف، قصد یا به دلیل سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیک و  
دوم: به‌طور کلی یا جزئی با قصد به وحشت افکندن عموم یا بخشی از مردم نسبت به امنیت‌شان شامل امنیت اقتصادی، یا وادار کردن یک شخص یا حکومت یا سازمان داخلی یا بین‌المللی به انجام عمل یا خودداری از انجام عملی، خواه عموم یا شخص یا حکومت یا سازمان در داخل یا خارج از کانادا باشد، و

۲. به‌طور عمدی:

اول: با استفاده از خشونت موجب مرگ یا آسیب جسمانی شدید شده،

دوم: حیات فردی را به خطر انداخته،

سوم: سلامتی یا ایمنی عموم یا بخشی از عموم مردم را در معرض خطر شدید قرار داده،  
چهارم: خسارت قابل ملاحظه‌ای به اموال اعم از عمومی یا خصوصی وارد کند مشروط به اینکه چنین خسارتی احتمال وارد ساختن آسیب‌های مندرج در بندهای اول تا سوم فوق را داشته باشد،

پنجم: موجب مداخله یا اختلال شدید در خدمات، تسهیلات یا سامانه‌های اساسی اعم از عمومی یا خصوصی شود. به غیر آثار ناشی از طرف‌داری، اعتراض، مخالفت یا بند آوردن راه که هدف از آنها ایجاد آسیب‌های مندرج در بندهای اول تا سوم نیست، و [همچنین فعالیت تروریستی] تبانی، تلاش یا تهدید به ارتکاب فعل‌ها یا ترک فعل‌های مزبور یا فراهم ساختن لوازم یا دادن مشورت برای ارتکاب را نیز شامل می‌شود. اما با قطعیت

بیشتری تأکید می‌شود که [فعالیت تروریستی]، فعل‌ها یا ترک فعل‌های ارتکاب یافته در دوران درگیری‌های مسلحانه نمی‌شود....

به‌علاوه، قانون عدالت برای قربانیان تروریسم، مصونیت دولت خارجی حامی تروریسم را برای ارتکاب جرائم مرتبط با تروریسم شامل جرائم فهرست شده در مواد ۸۳(۰۲) الی ۸۳(۰۴) و ۸۳(۱۸) الی ۸۳(۲۳) کد کیفری کانادا را نیز لغو نموده است. البته این جرائم در مقوله «حمایت از تروریسم» قابل طبقه‌بندی هستند که موضوع قسمت دوم این مقاله خواهند بود.

قانون کانادا با ارجاع به تعریف و مصادیق مندرج در کد کیفری آن کشور— که در جای خود تعریف بسیار موسعی از تروریسم را برگزیده است— در واقع مصونیت دولت‌های خارجی برای ارتکاب اعمال مجرمانه مندرج در قانون داخلی کانادا را لغو نموده است. به این ترتیب و با تصریح به لغو مصونیت دولت خارجی برای جرائم مرتبط با «حمایت از تروریسم» و گستردگی این مفهوم در قانون کیفری کانادا، به راحتی مصونیت دولت خارجی شناسایی شده به‌عنوان دولت حامی تروریسم، نادیده گرفته خواهد شد. درحالی‌که چنین نگاهی با کیفیت موصوف در قانون آمریکا به چشم نمی‌خورد. قانون آمریکا، مصونیت دولت حامی تروریسم را صرفاً برای ارتکاب سه مصداق پذیرفته شده از تروریسم در عرصه بین‌المللی به شرح پیش‌گفته، به‌علاوه شکنجه و «حمایت مادی» از ارتکاب جرائم مزبور لغو کرده است که بسیار محدودتر از قانون کانادایی است. یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های این دو قانون<sup>۱</sup> در بحث مورد نظر این مقاله، عدم شمول قانون کانادا بر جنایت شکنجه است. هرچند گفتمان حقوق بشری کانادا در خصوص لغو مصونیت دولت، بیشتر حول محور شکنجه گردش می‌کرد اما به‌نظر می‌رسد، اصرار دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه آلمان و ایتالیا بر عدم ارتباط مصونیت قضایی دولت با ماهیت دعاوی، هرچند مربوط به شدیدترین جنایات بین‌المللی و ناقض قواعد آمره حقوق بین‌الملل باشند و حتی اذعان به بی‌بهره بودن رویه آمریکایی از حمایت بین‌المللی،<sup>۲</sup> نظام قانون‌گذاری کانادا را از استناد به قواعد آمره و جنایات بین‌المللی منصرف و سلب مصونیت را تنها به استناد اعمال تروریستی و حمایت از آن مقرر کرد.

۱. برای مقایسه میان این دو قانون نگاه کنید به: عبدالمی، محسن، **تروریسم بین‌المللی به مثابه استثنا در حال ظهور قاعده مصونیت دولت: بررسی قانون جدید کانادا**، در مجموعه مقالات همایش مصونیت در حقوق بین‌الملل، به اهتمام محسن عبدالمی، انتشارات گنج و دانش، ۱۳۹۴.

2. I.C.J. Rep. 2012, Para 88.

البته این تغییر جهت قانون‌گذاری با توجه به قضایای «بوذری» و «کاظمی» به نحو چشمگیری قابل مشاهده است. در این قضایا، محاکم کانادا علی‌رغم ادعای خواهان‌ها مبنی بر شکنجه فراسرزمینی، متفقا به مصونیت دولت خارجی (در این دعاوی، ایران) حکم کردند و شدت جرائم ادعایی را مجوزی برای سلب مصونیت ندانستند.<sup>۱</sup> لازم به ذکر است آرا این دو قضیه ظاهرا نقش مهمی در بسیج حقوقی پارلمان کانادا برای تصویب اصلاحات قانون مصونیت داشت اما ظاهرا صدور رأی دیوان در قضیه آلمان و ایتالیا جهت‌گیری پارلمان را تغییر داد. زیرا، پارلمان کانادا مایل نبود، به فاصله چند هفته از صدور رأی مرتبط دیوان، قانونی مغایر با تصریح مندرج در یافته‌های دیوان بین‌المللی دادگستری تصویب کند.

رویه بعدی دیوان عالی کانادا در قضیه «کاظمی» علیه ایران نیز به خوبی این یافته را تأیید می‌کند. زهرا زیبا کاظمی عکاس و روزنامه‌نگار ایرانی-کانادایی در سال ۲۰۰۳ هنگام عکس‌برداری از محوطه بیرونی زندان اوین در تهران بازداشت شد. ادعا شده است که خانم کاظمی حین بازداشت و بازجویی، شکنجه شده و جان سپرده است. وراث متوفی دعوایی را در سال ۲۰۰۶ در دادگاه عالی کبک بخش مونترال علیه دولت و برخی از مقامات ایران مطرح کردند. دادگاه سرانجام در ۲۵ ژانویه سال ۲۰۱۱ بیان نمود که «به جز آنچه که قانون مصونیت دولت کانادا مقرر نموده، استثنای دیگری بر اصل مصونیت دولت وارد نیست... و خوانندگان مستحق مصونیت بر اساس قانون مصونیت دولت کانادا هستند...».<sup>۲</sup>

البته بعد از اصلاحات سال ۲۰۱۲ قانون مصونیت و عطف به ما سبق شدن آن از سال ۱۹۸۵، خواهان‌های این دعوی بار دیگر بخت خود را با استناد به اصلاحات انجام شده در قانون مذکور آزمودند اما قضات دیوان عالی کانادا به‌درستی شکنجه را مشمول استثنای ضدتروریسم، پیش‌بینی شده در اصلاحات اخیر قانون یادشده ندانستند. به‌نظر دادگاه «پارلمان قدرت و صلاحیت اتخاذ تصمیم در مورد اینکه محاکم کانادایی در چه پرونده‌هایی باید اعمال صلاحیت قضایی کنند را دارد. پارلمان قادر به تغییر وضعیت حقوقی کنونی در مورد استثنائات مصونیت

1. Houshang Bouzari et al. v. Islamic Republic of Iran, [2002] O.J. No. 1624 (Ontario Superior Court of Justice), Para 90.

Kazemi (Estate of) c. Islamic Republic of Iran, Superior Court of Canada, Province of Québec, District ff Montréal, No: 500-17-031760-0, 25 January 2011, paras 213-214.

2. Ibidem.

دولت است، همان‌طور که در مورد تروریسم چنین کرده است. پارلمان می‌تواند در وضعیت‌هایی مانند قضیه زهرا کاظمی که در آن آقای هاشمی و وراث مادرش (زهرا کاظمی) به دنبال جبران خسارت از طریق محاکم کانادا هستند، چنین جبرانی را تجویز کند. حال آنکه پارلمان به سادگی چنین انتخابی را تاکنون نکرده است.<sup>۱</sup>

### ۳. رویکرد کلی قانون متقابل ایران

ایران فاقد قانون عام در خصوص مصونیت دولت است. اما با عضویت ایران در کنوانسیون مصونیت دولت سال ۲۰۰۴ ملل متحد<sup>۲</sup> می‌توان چنین استدلال نمود که امروز حتی با وجود لازم‌الاجرا نشدن این کنوانسیون،<sup>۳</sup> قواعد آن جزئی از قوانین داخلی ایران است.<sup>۴</sup> هدف از سطور مقدماتی بالا نشان دادن جایگاه «قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی» مصوب ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۱ مجلس شورای اسلامی است. مطابق این قانون که آخرین نسخه اصلاحی قانون مصوب سال ۱۳۷۸ است مصونیت دولت‌هایی که مصونیت دولت ایران و اموال آن را نزد دادگاه‌های خود نادیده می‌گیرند، برای ارتکاب اعمال خلاف حقوق بین‌الملل و حمایت از اقدامات و اعمال گروه‌هایی تروریستی البته «در مقام اقدام متقابل» لغو شده است.

این قانون در واقع «اقدام متقابل» ایران در برابر اصلاحیه سال ۱۹۹۶ قانون مصونیت حکام آمریکا و اخیراً افزون بر آن، در برابر قانون و عملکرد دولت کانادا تلقی می‌شود. به دیگر سخن، این قانون استثنایی، نه نشان‌دهنده موضع رسمی ایران نسبت به قاعده مصونیت است و نه رویه ایران به‌عنوان مشارکت در عملکرد دولت‌هایی است که مصونیت دولت‌های حامی تروریسم را نادیده می‌گیرند. همچنین، با استناد به این قانون نمی‌توان ادعا نمود که دولت ایران اعطای

1. Kazemi Estate v. Islamic Republic of Iran, Supreme Court of Canada, No. 35034, 2014-10-10, para 170. At:

<<http://scc-csc.lexum.com/scc-csc/scc-csc/en/item/14384/index.do>>.

۲. قانون تصویب کنوانسیون سازمان ملل متحد در خصوص مصونیت قضایی دولت‌ها و اموال آنها ۱۳۸۷/۳/۱۹.

۳. تا زمان نگارش این مقاله (فروردین سال ۱۳۹۶)، ۲۱ کشور به عضویت کنوانسیون مذکور درآمده‌اند درحالی‌که مطابق ماده

۳۰ کنوانسیون، سی روز پس از تودیع سی‌امین سند تصویب، کنوانسیون لازم‌الاجرا خواهد شد.

At:< [https://treaties.un.org/pages/ViewDetails.aspx?src=TREATY&mtmsg\\_no=III-13&chapter=3&lang=en](https://treaties.un.org/pages/ViewDetails.aspx?src=TREATY&mtmsg_no=III-13&chapter=3&lang=en) >

۴. مجلس ایران به منظور الحاق به کنوانسیون‌های بین‌المللی اقدام به تصویب «ماده واحده قانونی» یا قانون عضویت ایران در کنوانسیون مربوطه کرده است.

مصونیت به دولت‌های خارجی را منوط به «عمل متقابل» می‌کند. زیرا، ایران با پیوستن به کنوانسیون ۲۰۰۴، مصونیت دولت را به‌عنوان یکی از اصول<sup>۱</sup> و قواعد حقوق بین‌الملل مورد شناسایی قرار داده است.

قانون سال ۱۳۹۱ جمهوری اسلامی ایران؛ مصونیت دولت‌های خارجی را - که مصونیت دولت ایران را نقض کرده‌اند- برای موارد زیر لغو می‌کند:

«به موجب این قانون برای مقابله و جلوگیری از نقض مقررات و موازین حقوق بین‌الملل، اشخاص حقیقی و حقوقی می‌توانند از اقدامات دولت‌های خارجی که مصونیت قضایی دولت جمهوری اسلامی ایران و یا مقامات رسمی آن را نقض نمایند، در دادگستری تهران اقامه دعوی کنند. در این صورت دادگاه مرجوع‌الیه مکلف است به‌عنوان عمل متقابل به دعوی مذکور رسیدگی و طبق قانون، حکم مقتضی صادر نماید. فهرست دولت‌های مشمول عمل متقابل توسط وزارت امور خارجه تهیه و به قوه قضاییه اعلام می‌شود.

موارد موضوع این ماده عبارت است از:

الف) خسارات ناشی از هرگونه اقدام و فعالیت دولت‌های خارجی در داخل یا خارج ایران که مغایر با حقوق بین‌الملل است و منجر به فوت یا صدمات بدنی یا روانی یا ضرر و زیان مالی اشخاص می‌گردد.

ب) خسارات ناشی از اقدام و یا فعالیت اشخاص یا گروه‌های وحشت افکن (تروریستی) در داخل یا خارج ایران که دولت خارجی آنها را تشویق یا از آنها حمایت می‌نماید و یا اجازه اقامت یا تردد و یا فعالیت در قلمرو حاکمیت خود را به آنها می‌دهد و اقدامات مذکور منجر به فوت یا صدمات بدنی یا روانی یا ضرر و زیان مالی می‌شود».

تروریسم در این قانون به‌طور مستقیم و غیرمستقیم مورد توجه قرار گرفته است. در بند (الف) قانون‌گذار ایرانی با نگاهی «تخلف‌مدار»، مصونیت دولت‌های ناقض مصونیت دولت ایران را برای ارتکاب کلیه اعمال متخلفانه بین‌المللی و زبان‌بار سلب نموده است. این نگاه هرچند از مبانی

۱. بند دوم مقدمه کنوانسیون مقرر می‌دارد که: «(ب) در نظر گرفتن اینکه مصونیت صلاحیتی دولت‌ها و اموال آنها عموماً به‌عنوان یک اصل حقوق بین‌الملل عرفی پذیرفته شده است».

نظام مسئولیت بین‌المللی دولت پیروی می‌کند<sup>۱</sup> اما قاضی ایرانی ابتدا باید فعل متخلفانه دولت خوانده را که همان نقض تعهدات بین‌المللی آن دولت است، احراز کند.

البته در خصوص متخلفانه بودن تروریسم<sup>۲</sup> هرچند سازمان ملل متحد هنوز نتوانسته طرح کنوانسیون جامع مبارزه با تروریسم<sup>۳</sup> را نهایی کرده و به تصویب برساند اما چه به واسطه ممنوع‌سازی و جرم‌انگاری مصادیق تروریسم بین‌المللی توسط ۱۳ کنوانسیون بین‌المللی و ۸ کنوانسیون منطقه‌ای و چه از طریق تصویب اسناد هنجاری به کرات متخلفانه بودن تروریسم بین‌المللی را مورد تأکید قرار داده است.<sup>۴</sup> مضاف بر این، مجمع عمومی سازمان ملل متحد از سال ۱۹۹۴ به این سو، هر سال با تصویب اعلامیه موسوم به «اعلامیه اقدامات امحای تروریسم بین‌المللی» با بیانی واضح، مجرمانه بودن تروریسم بین‌المللی را مقرر می‌دارد: «دولت‌های عضو ملل متحد بی‌چون و چرا تمامی اعمال، روش‌ها و رویه‌های تروریسم را در هر زمان و توسط هر کس که ارتکاب یابد، به‌عنوان اقدامی کیفری و غیرقابل توجیه محکوم می‌کنند...»<sup>۵</sup>.

با وجود این نگاه، تروریسم از راه یافتن به فهرست جنایت تحت صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی در سال ۱۹۹۸ باز ماند چون جامعه بین‌المللی از نیل به تعریفی مشخص از تروریسم بین‌المللی ناتوان مانده است. با این حال، باید توجه داشت که آستانه مورد نظر قانون ایران، صرفاً «متخلفانه» بودن رفتار دولت خارجی از نگاه حقوق بین‌الملل است و نه «مجرمانه» بودن آن.

آخرین نکته حائز اهمیت در این بند، توجه به این تحلیل است که قضات ایرانی مطابق این بند می‌توانند مستقیماً خود دولت خارجی را برای ارتکاب اعمال تروریستی قابل انتساب به آن دولت تحت عنوان فعل متخلفانه بین‌المللی مورد حکم قرار بدهند مگر آنکه استدلال شود؛ با اختصاص بند مستقلی به «اقدامات تروریستی» (بند ب ماده ۱) در این قانون، بند (الف) منصرف از اقدامات

۱. به‌موجب ماده یک طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل برای مسئولیت دولت‌ها برای اعمال متخلفانه بین‌المللی «هر فعل متخلفانه بین‌المللی دولت موجب مسئولیت بین‌المللی آن دولت است».

Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001, *Yearbook of the International Law Commission, 2001*, vol. II (Part Two).

2. Draft convention for the prevention and punishment of terrorism, League of Nations, 1937.

3. Draft comprehensive convention against international terrorism, UN. Doc. A/59/894, 12 Aug. 2005.

۴. عبدالمجید، محسن، *تروریسم، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه*، انتشارات شهر دانش، ۱۳۸۸، (ص ۵۳-۷۲).

5. Declaration on Measures to Eliminate International Terrorism, General Assembly, A/RES/49/60, 9 December 1994, para 1.

تروریستی است. اما به نظر نویسندگان این مقاله، این استدلال صحیح نیست زیرا، بند (ب) به خسارات ناشی از اقدام و یا فعالیت اشخاص یا گروه‌های تروریستی با حمایت دولت خارجی اختصاص دارد و نه اقدامات تروریستی قابل انتساب به خود دولت.

در عین حال برخلاف بند (الف) ماده یک که اشاره آن به تروریسم غیرمستقیم است در بند (ب) این ماده، قانون‌گذار ایرانی به صراحت به تروریسم اشاره کرده اما به جای تصریح به خود «تروریسم» به «اقدام و یا فعالیت اشخاص یا گروه‌های تروریستی» اشاره کرده است. جالب توجه آنکه قانون ایران به مانند قوانین دو کشور آمریکا و کانادا وظیفه احراز و شناسایی دولت‌های موضوع این قانون را به قوه مجریه سپرده است.

در خصوص تعریف تروریسم در قانون ایران؛ هرچند در مواردی برخی از مصادیق جرم تروریسم با جرم محاربه در حقوق کیفری ایران هم‌پوشانی می‌یابد اما قانون‌گذار ایرانی در **قانون مبارزه با تأمین منابع مالی تروریسم** مصوب اسفند ماه سال ۱۳۹۴ با نگاهی توأماً ذهنی و عینی نسبت به تعریف تروریسم اقدام نموده است. قانون اخیر در ابتدا تعریفی «کلی» از تروریسم ارائه داده (بند الف ماده ۱) و سپس به‌طور عینی و موردی، ۸ مصداق شناخته شده از اعمال تروریستی را - که عمدتاً از کنوانسیون‌های بین‌المللی ضدتروریستی برداشت شده - به‌عنوان مصداق عینی جرم تروریسم فهرست کرده است (بند پ).<sup>۱</sup> به‌موجب بند الف ماده یک موارد زیر جرم تروریستی در نظر گرفته شده است:

۱. بند (پ): «ارتکاب اعمال ذیل صرف نظر از انگیزه مرتکب و نتایج حاصله:

۱. اعمال خطرناک برای ایمنی هواپیما یا هوانوردی.
۲. تصرف هواپیمای در حال پرواز و اعمال کنترل غیرقانونی بر آن.
۳. ارتکاب خشونت علیه مسافر یا مسافران و خدمه هواپیما یا اعمال خطرناک علیه اموال موجود در هواپیمای در حال پرواز.
۴. تولید، تملک، اکتساب، انتقال، تحصیل متقلبانه و قاچاق عناصر یا مواد هسته‌ای به میزان غیرقابل توجیه برای اهداف درمانی، علمی و صلح‌آمیز.
۵. تولید، تملک، اکتساب، انتقال، سرقت، تحصیل متقلبانه، قاچاق، حمل، نگهداری، توسعه یا انباشت و استفاده یا تهدید به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی، میکروبی و بیولوژیک.
۶. دزدی دریایی، تصرف غیرقانونی کشتی و یا اعمال کنترل غیرقانونی بر آن و یا به خطر انداختن ایمنی کشتیرانی از طریق ارائه آگاهانه اطلاعات نادرست یا تخریب و وارد کردن آسیب شدید به کشتی، محموله و خدمه یا مسافران آن.
۷. تصرف یا کنترل غیرقانونی سکوها یا تأسیسات مستقر در مناطق دریایی، ارتکاب اعمال خشونت‌بار علیه افراد حاضر در آنها، ارتکاب هرگونه عملی برای تخریب یا صدمه به این سکوها یا تأسیسات به قصد ایجا خطر برای ایمنی سکوها یا تأسیسات.
۸. بمب‌گذاری در اماکن عمومی، تأسیسات دولتی، شبکه حمل و نقل عمومی یا تأسیسات زیرساختی».

«ارتکاب یا تهدید به ارتکاب هرگونه جرم یا اقدام خشونت‌آمیز از قبیل قتل، سوء قصد، اقدام خشونت‌آمیز منجر به آسیب جسمانی شدید، ربودن، توقیف غیرقانونی و گروگان‌گیری اشخاص و یا اقدام خشونت‌آمیز آگاهانه علیه افراد دارای مصونیت قانونی یا به مخاطره انداختن جان یا آزادی آنها به قصد تأثیرگذاری بر خط مشی، تصمیمات و اقدامات دولت جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورها یا سازمان‌های بین‌المللی دارای نمایندگی در قلمرو جمهوری اسلامی ایران».

به موجب بند (ب) این قانون نیز ارتکاب اعمال مجرمانه زیر با مقاصد مذکور در بند (الف) به‌عنوان جرم تروریستی محسوب خواهد شد:

۱. «خرابکاری در اموال و تأسیسات عمومی دولتی و غیردولتی.
  ۲. ایراد خسارت شدید به محیط زیست از قبیل مسموم کردن آبها و آتش زدن جنگل‌ها.
  ۳. تولید، تملک، اکتساب، انتقال، حمل، نگهداری، توسعه یا انباشت غیرقانونی، سرقت، تحصیل متقلبانه و قاچاق سموم، عناصر و مواد هسته‌ای، شیمیایی، میکروبی و زیست‌شناسی (بیولوژیک).
  ۴. تولید، تهیه، خرید و فروش و استفاده غیرقانونی و قاچاق مواد منفجره، اسلحه و مهمات».
- تعریف مندرج در بند (الف) ماده ۱ این قانون به تعریف پیش‌بینی شده در قانون الحاق ایران به کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی جهت مبارزه با تروریسم بین‌المللی که در نهایت در مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۷ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید، نزدیک است. به‌موجب بند ۲ ماده یک این کنوانسیون،

«اصطلاح «تروریسم» به هرگونه عمل خشونت‌آمیز یا تهدیدکننده اطلاق می‌شود که علی‌رغم مقاصد یا انگیزه‌اش به منظور اجرا طرح جنایی فردی یا گروهی که با هدف ایجاد رعب بین مردم یا تهدید به آسیب رساندن یا به خطر انداختن جان، حیثیت، آزادی‌ها، امنیت یا حقوق آنان، یا به خطر انداختن محیط زیست یا هرگونه تأسیسات یا اموال عمومی یا خصوصی یا اشغال یا تصرف آنها یا به خطر انداختن منابع ملی یا تأسیسات بین‌المللی یا تهدید کردن ثبات، تمامیت ارضی، وحدت سیاسی یا حاکمیت کشورهای مستقل انجام گیرد»<sup>۱</sup>.

۱. بند ۴ این کنوانسیون نیز اعمال مندرج در ۱۱ کنوانسیون ضدتروریستی را در زمره جرم تروریسم طبقه‌بندی کرده است.

هرچند تعریف مندرج در این کنوانسیون ابتکار قانون‌گذار ایران نیست اما به لحاظ حقوقی این تعریف نیز وارد نظام حقوقی ایران شده و می‌تواند مورد استناد قضات ایرانی قرار گیرد.

### بند دوم: جعل مفهوم «حمایت» از تروریسم به‌عنوان استثنای مصونیت دولت

قوانین یادشده هر دو کشور آمریکا و کانادا همچنین مصونیت دولت خاطی را برای «حمایت» از اقدامات تروریستی نیز سلب نموده‌اند. قانون دولت ایران هم در مقام تقابل اقدام مشابهی را پیش‌بینی کرده است.

هرچند به موجب مقررات حقوق بین‌الملل حمایت از تروریسم منع شده و نقض آن، عمل متخلفانه بین‌المللی است<sup>۱</sup> اما گزینش چنین تخلفی به‌عنوان استثنای مصونیت دولت، بدعتی فاحش در حقوق بین‌الملل عرفی است. این مقاله درصدد شناسایی مفهوم حمایت از تروریسم و مصادیق آن در قوانین سه دولت مورد مطالعه است. زیرا، خاستگاه و رویکرد قوانین مذکور در تبیین مفهوم حمایت از تروریسم و مقابله با آن متفاوت به‌نظر می‌رسد.

### ۱. سلب مصونیت دولت خارجی برای «حمایت مادی» از جرائم چهارگانه تروریستی در قانون آمریکا

اصلاحیه سال ۱۹۹۶ قانون مصونیت آمریکا، مصونیت دولت‌های حامی تروریسم را برای ارتکاب ۴ جنایت قتل فراقضایی، شکنجه، گروگان‌گیری و خرابکاری در هواپیما سلب کرده است. این قانون در ادامه به صراحت «ارائه حمایت مادی یا منابع»<sup>۲</sup> برای ارتکاب جرائم فوق را نیز باعث سلب مصونیت دانسته است.<sup>۳</sup>

قانون مصونیت آمریکا؛ مفهوم و مصادیق «حمایت» مورد نظر خود را به بخش (الف) ۲۳۳۹ کد سراسری آمریکا ارجاع می‌دهد. این بخش با عنوان «ارائه حمایت مادی به تروریست‌ها» در قسمت نخست خود به جرم‌انگاری ارائه حمایت مادی به تروریست‌ها پرداخته و سپس در بند بعدی به تعریف این نوع حمایت می‌پردازد. به‌موجب زیر بند ۱ بند (ب) بخش (الف) ۱۳۳۹ کد:

۱. برای مثال قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت که در ۲۸ سپتامبر سال ۲۰۰۱ بعد از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر صادر و متعاقب آن بعد از هر واقعه تروریستی از سوی شورای امنیت تکرار می‌شود صراحتاً هرگونه حمایت فعالانه یا منفعل از تروریسم را منع می‌کند.

۲. "provision of material support or resources".

۳. 28 U.S.C. Sec. 1605 (a)(7).

«۱. عبارت «ارائه حمایت مادی یا منابع» به معنای ارائه هر مال محسوس یا نامحسوس یا خدمت، شامل ارز یا اسناد پولی و مالی، تضمینات مالی، خدمات مالی، تهیه سرپناه، آموزش، مشاوره و مساعدت کارشناسی، در اختیار قرار دادن اماکن امن، اسناد و کارت‌های هویتی دروغین، تجهیزات ارتباطی، تسهیلات، تسلیحات، مواد کشنده، مواد منفجره، پرسنل (یک یا چند فرد که شامل خودش نیز می‌شود) و حمل و نقل به جز مواد دارویی یا اقلام مربوط به مناسک مذهبی.

۲. واژه «آموزش» به معنی ارائه آموزه یا تعلیم طراحی شده به منظور انتقال مهارت خاصی است که آموزش آن در دانش عمومی رایج نیست<sup>۱</sup> و...».

علی‌رغم وسع بودن قانون موصوف، محاکم آمریکایی نیز با گزینش ضابطه «مسئولیت اشتقاقی»،<sup>۲</sup> کلیه نتایج مشتق از حمایت نخستین را نیز به دولت خارجی منتسب کرده‌اند. برای مثال دادگاه فدرال آمریکا در قضیه فلاتو که رأی آن قاعده سابقه<sup>۳</sup> پس از اصلاحیه سال ۱۹۹۶ به‌شمار می‌رود، مقرر کرده است که؛ «... ارائه کمک‌های منظم مالی به یک گروه تروریستی برای حمایت از عملیات تروریستی آن، ارائه حمایت مادی یا منابع برای یک فعالیت تروریستی در معنای مورد نظر بند (۷)(الف) ماده ۱۶۰۵ قانون مصونیت حکام خارجی محسوب می‌شود... به‌علاوه این دادگاه لازم نمی‌داند که خواهان ثابت کند ارائه حمایت مادی یا منابع به‌عمل آمده از سوی یک دولت خارجی برای یک عملیات تروریستی مستقیماً به وقوع خساراتی منجر شده است که دعوی برای جبران آن خسارات اقامه شده است... صرف حمایت از یک گروه تروریستی که به مرگ یا جراحات جسمانی یک تبعه ایالات متحده منجر شود برای احراز صلاحیت دادگاه کافی است».<sup>۴</sup>

به تعبیر مایکل ریزمن این رویه مغایر رویکرد دولت آمریکا و رویه دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوا است. به‌نظر وی: ضابطه مسئولیت اشتقاقی که با تصویب قانون توسط کنگره به دادگاه‌ها تحمیل گردیده و سپس به‌طور مضیق توسط محاکم اعمال شده است، منطبق با حقوق بین‌الملل معاصر نیست. زیرا، علی‌رغم حمایت‌های مادی انکارناپذیر آمریکا از شورشیان کانتررا در

1. "The term "training" means instruction or teaching designed to impart a specific skill, as oppose to general knowledge; and..."

2. Derivative responsibility.

3. Precedent case.

4. Flatow v. The Islamic Republic of Iran et al., op.cit., (pp.17-18).

قضیه نیکاراگوئه، موضوع مسئولیت اشتقاقی مورد پذیرش دیوان بین‌المللی دادگستری قرار نگرفت و در نتیجه دیوان اعمال کانتراها را به ایالات متحده قابل انتساب ندانست.<sup>۱</sup> دلیل دیوان آن بود که برای اینکه این اعمال [کانتراها] مسئولیت حقوقی آمریکا را به وجود آورد باید به‌طور اصولی «کنترل مؤثر» این کشور بر عملیات‌های نظامی و شبه‌نظامی که در خلال آنها نقض‌های ادعایی ارتکاب یافته، اثبات شود.<sup>۲</sup> بنابراین دیوان ضابطه مسئولیت اشتقاقی را رد کرد؛ ضابطه‌ای که مبنای حقوقی اصلاحیه ۱۹۹۶ آمریکا است.<sup>۳</sup>

## ۲. سلب مصونیت دولت خارجی برای جرائم مرتبط با ارتکاب جرائم تروریستی در قانون جزای کانادا

قانون عدالت برای قربانیان تروریسم، مصونیت دولت حامی تروریسم را برای ارتکاب جرائم مرتبط با تروریسم مندرج در کد کیفری کانادا به شرح زیر لغو نموده است.

تأمین یا جمع‌آوری اموال برای برخی از فعالیت‌های تروریستی (۸۳.۰۲)؛ تأمین یا در اختیار قرار دادن اموال یا خدمات برای اهداف تروریست (۸۳.۰۳)؛ استفاده یا تملک اموال برای اهداف تروریستی (۸۳.۰۴)؛ مشارکت در فعالیت یک گروه تروریستی (۸۳.۱۸)؛ خروج از کانادا برای مشارکت در فعالیت یک گروه تروریستی (۸۳.۱۸۱)؛ تسهیل فعالیت تروریستی (۸۳.۱۹)؛ خروج از کانادا برای تسهیل فعالیت تروریستی (۸۳.۱۹۱)؛ ارتکاب یک جرم برای گروه تروریستی (۸۳.۲)؛ خروج از کانادا برای ارتکاب یک جرم برای گروه تروریستی (۸۳.۲۰۱)؛ خروج از کانادا برای ارتکاب جرمی که فعالیت تروریستی است (۸۳.۲۰۲)؛ دستور به انجام فعالیتی برای گروهی تروریستی (۸۳.۲۱)؛ دستور به انجام فعالیتی تروریستی (۸۳.۲۲)؛ مخفی کردن فردی که مرتکب فعالیت تروریستی شده است (۸۳.۲۳).

مصادیق فوق جزء جرائم مرتبط با تروریسم در قانون کانادا هستند که عنوان مجرمانه مستقلی برای آنها در نظر گرفته شده است. به دیگر سخن، قانون‌گذار کانادایی در عمل مصادیق چنین حمایتی را با عناوین مجرمانه مستقلی ذیل تعریف جرم تروریسم احصاء کرده است. بسیاری از

1. Ibid., Paras 114-115.

2. Ibid., para 115.

3. Michael Reisman and Monica Hakimi, "2001 Hugo black lecture: illusion and reality in the compensation of victims of international terrorism", *Alabama Law Review*, Vol. 54, No. 2, (p.580).

این مصادیق با تعریف و مصادیق «ارائه حمایت مادی و منابع» مندرج در قانون ایالات متحده تقارن دارند. البته قانون کانادا از یک منظر حقوقی بر قانون ایالات متحده ترجیح دارد؛ زیرا، نگاه «کلی» قانون آمریکا در وضع ضابطه «ارائه حمایت مادی یا منابع»، وجود رابطه معقول و مستقیم بین حمایت و زیان ناشی از فعالیت گروه یا سازمان تروریستی را لازم نمی‌داند، درحالی‌که نگاه «موردی و مصداقی» قانون کانادا، تنها در صورت وجود چنین رابطه معقول و مستقیمی، معنی خواهد یافت. هرچند برای تصدیق این تفسیر باید منتظر رویه قضایی محاکم کانادا نشست اما مثال تسهیل فعالیت تروریستی موضوع بند ۱۹ ماده ۸۳ قانون جزای کانادا به درک این موضوع کمک بیشتری خواهد کرد. به موجب این بند:

«۱. هرکس آگاهانه ارتکاب یک فعالیت تروریستی را تسهیل نماید مرتکب جرمی قابل تعقیب شده و حداکثر به ۱۵ سال زندان محکوم خواهد شد.

۲. برای اهداف این ماده، در موارد زیر فعالیت تروریستی تسهیل خواهد شد: الف) تسهیل‌کننده می‌داند که فعالیت تروریستی خاصی تسهیل می‌شود؛ ب) در زمان تسهیل، فعالیت تروریستی خاصی طراحی و برنامه‌ریزی شده باشد؛ یا ج) در واقع فعالیت تروریستی انجام شده باشد». به نظر می‌رسد در این ماده رویکرد موردگرایانه قانون کانادایی و لزوم وجود رابطه بین تسهیل عملیات تروریستی و عملیات منتهی به طرح دعوی جبران خسارت روشن است.

### ۳. سلب متقابل مصونیت دولت‌های خارجی ناقض مصونیت دولت ایران برای حمایت یا معاونت در اقدامات گروه‌های تروریستی

قانون متقابل ایران نیز حمایت از گروه‌های تروریستی را باعث سلب مصونیت دانسته است.<sup>۱</sup> و نظر به اهمیت آن، به برخی از مصادیق حمایت مزبور همچون اعطای اجازه اقامت، یا دادن اجازه تردد یا فعالیت در قلمرو دولت دیگر که مستلزم اعطای سرپناه یا مقر به گروه یا سازمان تروریستی می‌باشد نیز تصریح کرده است: این قانون در کنار واژه «حمایت» از واژه «تشویق»

۱. «ب) خسارات ناشی از اقدام و یا فعالیت اشخاص یا گروه‌های وحشت افکن (تروریستی) در داخل یا خارج ایران که دولت خارجی آنها را تشویق یا از آنها حمایت می‌نماید و یا اجازه اقامت یا تردد و یا فعالیت در قلمرو حاکمیت خود را به آنها می‌دهد و اقدامات مذکور منجر به فوت یا صدمات بدنی یا روانی یا ضرر و زیان مالی می‌شود».

نیز استفاده کرده است. در نظام حقوقی ایران واژه تشویق در قالب معاونت در ارتکاب جرم قابل بررسی است.

مطابق ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۹۲: «اشخاص زیر معاون جرم محسوب می‌شوند:

الف) هرکس، دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع، یا تحریک به ارتکاب جرم کند یا با دسیسه یا فریب یا سوءاستفاده از قدرت، موجب وقوع جرم گردد.

ب) هرکس وسایل ارتکاب جرم را بسازد یا تهیه کند یا طریق ارتکاب جرم را به مرتکب ارائه دهد.

ج) هرکس وقوع جرم را تسهیل کند...».

در مقایسه بین حمایت و تشویق به نظر می‌رسد که حمایت بیشتر جنبه مادی داشته و در مقابل تشویق جنبه معنوی به خود بگیرد. هرچند که مواردی همچون تعیین جایزه و اعطای القاب و نشان‌های افتخاری و نظایر آن نیز می‌تواند تشویق در نظر گرفته شود. با این حال، به نظر می‌رسد قانون‌گذار ایرانی تشویق را همراه با حمایت مادی مد نظر خود قرار داده باشد.

به نظر نگارندگان، مصادیق تصریح شده در قانون از موارد «حمایت» هستند و تصریح قانون‌گذار ایران از باب تأکید است زیرا، واقعیت این است؛ پس از انقلاب اسلامی، سران و اعضای سازمان مجاهدین خلق (منافقین) که سابقاً از سوی دولت آمریکا نیز به‌عنوان سازمانی تروریستی شناخته شده بود، در بسیاری از کشورهای اروپایی، آسیایی و آمریکا آزادانه و به‌طور قانونی اقامت، تردد و فعالیت دارند و قانون‌گذار ایرانی از این‌رو، به این موارد تصریح کرده است.

موارد سه‌گانه مذکور با عبارت مندرج در بند (پ) ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی یعنی «هرکس وقوع جرم را تسهیل کند» نیز کاملاً منطبق است زیرا، در واقع تمامی این موارد و مصادیق حمایت می‌تواند وقوع اعمال و فعالیت‌های تروریستی را تسهیل کند.

ارائه آگاهانه اطلاعات، تکنولوژی، خدمات، آموزش و نظایر آن همگی از مصادیق «حمایت» محسوب می‌شوند که در قالب بند (ب) ماده ۱۲۶ قابل استناد هستند. بند (الف) نیز به سادگی موارد تأمین مالی یا اعطای کمک‌های مالی و مادی را در قالب عنوان‌هایی چون «ترغیب» و «تطمیع» پوشش می‌دهد.

برخلاف قانون آمریکایی، قانون ایران نیز به مانند قانون کانادا، وجود ارتباط میان حمایت از گروه تروریستی و فعالیت تروریستی منتهی به دعوی جبران خسارت را لازم می‌داند. قانون ایران به‌طور خلاصه مقرر می‌کند: خسارات ناشی از اقدامات اشخاص و گروه‌های تروریستی که دولت خارجی آنها را حمایت می‌کند و **اقدامات مذکور** منجر به زیان مالی می‌شود. البته لزوم وجود این ارتباط با منطبق حقوقی و فحوی ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی نیز سازگار است. زیرا، تبصره ماده مذکور «برای تحقق معاونت در جرم، وحدت قصد و تقدم یا اقتران زمانی بین رفتار معاون و مرتکب جرم [را] شرط» دانسته است اگرچه که قانون اصلاحیه سال ۱۳۹۱ ایران در خصوص مصونیت صرفا دارای جنبه مدنی است.

با این حال این استدلال در راستای تقابل با رویکرد آمریکایی در این خصوص، ظرفیت تفسیر مخالف را نیز دارد، امری که از انتقادات حقوقی مصون نخواهد ماند.

## نتیجه گیری

قوانین مورد بررسی سه دولت یادشده، از منظر مستثنا کردن مصونیت دولتی که فعالیت تروریستی انجام داده و یا از آن حمایت می کند، برای مطالبه خسارات ناشی از فعالیت های تروریستی، مشابهت دارند. اما از جهت خاستگاه قانون گذاران مربوطه در تصویب این قوانین با یکدیگر متفاوت هستند. به نحوی که خاستگاه تصویب قانون آمریکا: «نظریه صلاحیت جهانی» و خاستگاه تصویب قانون کانادا: «تکلیف به مبارزه با تروریسم» و خاستگاه تصویب قانون ایران: «اقدام متقابل» است.

همچنین قوانین یادشده در تعریف مفهوم و مصادیق تروریسم و حمایت از آن نیز متفاوت هستند. زیرا، قانون آمریکا با نگاهی مصادیقی، مصونیت دولت تروریست یا حامی آن را صرفاً برای ارتکاب سه مصداق از تروریسم یعنی قتل فراقضایی، خرابکاری در هواپیما و گروگان گیری، به همراه شکنجه سلب نموده است. در حالی که قانون کانادا با نگاهی کلی و موسع، مصونیت دولت حامی تروریسم را اساساً برای ارتکاب تمامی جرائم تروریستی تعریف شده در قانون جزای آن کشور سلب نموده است و در این میان، قانون متقابل ایران از «اعمال مغایر حقوق بین الملل» - که تروریسم نیز از مصادیق آن است - یاد کرده است.

در مورد مفهوم و مصادیق «حمایت از تروریسم» نیز بیان قوانین مزبور گوناگون است. قانون آمریکا با نگاهی کلی، «ارائه حمایت یا منابع» برای ارتکاب مصادیق چهارگانه مورد نظر را موجب سلب مصونیت دانسته است بی آنکه وجود ارتباطی معقول میان حمایت مذکور و عملیات منتهی به طرح دعوی خسارت را لازم بداند. در مقابل قانون کانادا، با احصاء جرائمی که می توان آنها را در مفهوم «حمایت» دسته بندی کرد، نگاهی مصادیقی را پیش گرفته که در آن بدون اثبات رابطه معقول میان مصادیق حمایت مزبور و عملیات منتهی به طرح دعوی خسارت، محکومیت دولت خارجی غیرممکن به نظر می رسد. در نهایت قانون متقابل ایران، بدون تصریح به لزوم ارتباط میان حمایت مذکور و عملیات منتهی به طرح دعوی، با اتخاذ نگاهی کلی، حمایت از گروه های تروریستی را موجب سلب مصونیت دانسته است. در چنین شرایطی، گزینش رویکرد آمریکایی هرچند دست خواهان ها و همچنین قضات ایرانی را برای اقدام متقابل بازخواهد گذاشت، اما آرا صادره از انتقادات حقوقی مصون نخواند ماند.

برای شناسایی استثنای عرفی جدید تروریسم بر قاعده مصونیت دولت، وجود عملکرد یک‌دست<sup>۱</sup> دولت‌ها به همراه باور حقوقی<sup>۲</sup> به عملکرد مزبور ضروری است.<sup>۳</sup> بررسی قوانین سه دولتی که تروریسم را به‌عنوان استثنای مستقل قاعده مصونیت دولت در نظر گرفته‌اند، نشان می‌دهد که از سویی به‌دلیل تفاوت خاستگاه تصویب قوانین سه‌گانه مورد بحث و رویکرد متفاوت آنها در تبیین مفهوم تروریسم و حمایت از آن، عملکرد این سه دولت یک‌دست نیست و از سوی دیگر این رویه از عمومیت و فراوانی کافی برای ایجاد قاعده عرفی جدید نیز برخوردار نیست. به تعبیر کریستین تاموشات یک یا دو دولت نمی‌توانند برای کل جامعه بین‌المللی قانون‌گذاری کنند.<sup>۴</sup>

---

1. unified practice.

2. opinio juris.

3. International Law Association, Statement of Principles Applicable to the Formation of General Customary International Law, Final Report of the Committee, London Conference (2000), Principle 12.

4. Christian Tomuschat, "The International Law of State Immunity and Its Development by National Institutions", *Vanderbilt Journal of Transnational Law*, vol. 44, 2011, (p 1137).

## فهرست منابع

## الف) فارسی

۱. عبدلهی، محسن، **تروریسم بین‌المللی به مثابه استثنا در حال ظهور قاعده مصونیت دولت: بررسی قانون جدید کانادا**، در مجموعه مقالات همایش مصونیت در حقوق بین‌الملل، به اهتمام محسن عبدلهی، انتشارات گنج و دانش، ۱۳۹۴.
۲. -----، **تروریسم، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه**، انتشارات شهر دانش، ۱۳۸۸.
۳. ----- و میرشه‌بیز، شافع، **مصونیت قضایی دولت در حقوق بین‌الملل**، انتشارات ریاست جمهوری، چاپ دوم، تهران ۱۳۸۲.
۴. قانون تصویب کنوانسیون سازمان ملل متحد در خصوص مصونیت قضایی دولت‌ها و اموال آنها، مصوب ۱۳۸۷/۳/۱۹.
۵. قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی، مصوب ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۱ مجلس شورای اسلامی.
۶. کیهانلو، فاطمه، **دادگاه فدرال کلمبیا و انتساب انفجار برج‌های الخبر عربستان سعودی**، سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی، شماره دوم، سال ۱۳۸۵.
۷. نواری، علی، **رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه اختلاف بین آلمان و ایتالیا: موازنه بین حقوق بین‌الملل کلاسیک و مدرن**، در جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل در قرن ۲۱، به اهتمام قاسم زمانی، انتشارات شهر دانش، تهران ۱۳۹۲.

## ب) انگلیسی

8. Adams, Wendy, "In Search of a Defence of the Transnational Human Rights Paradigm: May *Jus Cogens* Norms be Invoked to Create Implied Exceptions in Domestic State Immunity Statutes?" in: Craig Scott (ed.), *Torture as Tort*, Toronto: Osgoode Hall Law School, York University, 2001.
9. Bill C-10 (full title: An Act to enact the Justice for Victims of Terrorism Act and to amend the State Immunity Act).
10. Case concerning to *Questions relating to the Obligation to Prosecute or Extradite* (Belgium v. Senegal), *I.C.J. Rep.* 2012.

11. *Convention against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment*, 1984.
12. Declaration on Measures to Eliminate International Terrorism, General Assembly, A/RES/49/60, 9 December 1994.
13. Draft comprehensive convention against international terrorism, UN. Doc. A/59/894, 12 Aug. 2005.
14. Draft convention for the prevention and punishment of terrorism, League of Nations, 1937.
15. European Convention on State Immunity, Basle, 1972.
16. Foreign Sovereigns Immunity Act, Pub. L. No. 104-132, 110 Stat. 1214 (1996).
17. H.R. 1585: National Defense Authorization Act for Fiscal Year 2008, SEC. 1083, (Terrorism Exception to Immunity), at:
18. < <http://thomas.loc.gov/cgi-bin/query/F?c110:7:./temp/~c110yocVHm:e983860:>>.
19. *Houshang Bouzari et al. v. Islamic Republic of Iran*, [2002] O.J. No. 1624 (Ontario Superior Court of Justice).
20. Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy : Greece intervening), Judgment, *I.C.J. Reports* 2012.
21. International Law Association, *Statement of Principles Applicable to the Formation of General Customary International Law*, Final Report of the Committee, London Conference, 2000.
22. Kazemi (Estate of) c. Islamic Republic of Iran, *Superior Court of Canada*, Province of Québec, District ff Montréal, No: 500-17-031760-0, 25 January 2011.
23. Kazemi Estate v. Islamic Republic of Iran, Supreme Court of Canada, No. 35034, 2014, At:
24. *Leteller v. Republic of Chile*, 488 F. Supp. 665 (1980), U.S. District Court for the District of Columbia - 488 F. Supp. 665 (D.D.C. 1980), March 11, 1980, at: <[http://law.justia.com/cases/federal/district\\_courts/FSupp/488/665/1400196/](http://law.justia.com/cases/federal/district_courts/FSupp/488/665/1400196/)>.
25. Michael Reisman and Monica Hakimi, “2001 Hugo black lecture: illusion and reality in the compensation of victims of international terrorism”, *Alabama Law Review*, Vol. 54, No. 2, 2003.
26. Recalling the deadly 1983 attack on the Marine barracks, *USA Today*, 23 Oct. 2013, at: <<http://www.usatoday.com/story/nation/2013/10/23/marines-beirut-lebanon-hezbollah/3171593/>>.
27. Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001, *Yearbook of the International Law Commission, 2001*, vol. II (Part Two).

28. *Smith and Hudson v. Libya et al.*, 886 F. Supp. 306, United States District Court, E.D. New York, Nos. 94-CV-5556 (TCP), 94-CV-5557 (TCP), May 17, 1995, accessed March 19, 2016, URL: <<http://uniset.ca/other/cs5/886FSupp306.html>>.
29. *State Immunity Act*, R.S.C. 1985, (“SIA”)
30. *Stephen M. Flatow v. The Islamic Republic of Iran et al*, United States District Court, District of Columbia, 999 F.Supp. 1, No. 97-396 (RCL), March 11, 1998, at: <<http://uniset.ca/islamicland/999FSupp1.html>>.
31. *The Rome Statute of the International Criminal Court*, 1998, Art.
32. UN Convention on Jurisdictional Immunities of States and Their Property, 2004.
33. *United Nations Action to Counter Terrorism*, International Legal Instruments, at: <<http://www.un.org/en/terrorism/instruments.shtml>>.
34. Tomuschat, Christian, “The International Law of State Immunity and Its Development by National Institutions”, *Vanderbilt Journal of Transnational Law*, vol. 44, 2011.
35. *Yearbook of the International Law Commission*, 1991, Vol. II (2).

